



کارگران جهان متحد شوید!



اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ // شماره - ۱۵۱

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

درخیمه شب بازی انتخاباتی رژیم شرکت نکنید.

کارگران وزحمتکشان :

انتصابی بودن مقامات دولتی در جمهوری اسلامی که در آن توده های زحمتکش مردم از ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی، حق تشکل و تحزب مستقل و بیان آزادانه اندیشه محرومند، برهیچکس پوشیده نیست.

ما فیای قدرت و ثروت باراه انداختن کارزار تبلیغاتی مهندسی شده برای انتصابات خود، برآن است تاجائی که میتواند، تنور «انتخابات» را گرم کرده و با کشاندن شما به پای صندوقهای رای برای ادامه نظام ستمگرانه و استثمارگرانه خود مشروعیت کسب کند. با عدم شرکت در چنین خیمه شب بازی، سیاست های فریبکارانه رژیم را باشکست مواجه سازید.

در آستانه اول ماه مه

از قدیم الایام فعالین جنبش کارگری و کمونیستی آستانه اول ماه مه را به تجزیه و تحلیل مبارزات یک سال گذشته و جمع بندی از نقاط قوت و ضعف خود اختصاص میدهند. مطالبات و خواست های خود را بررسی و هماهنگ میکنند اشکال مختلف مبارزه در گذشته، حال و آینده را مورد ارزیابی قرار میدهند. برنامه و تاکتیکهای جدید خود را انتخاب میکنند.

پیرامون وضعیت عمومی فعلی کارگران ایران و جنبش کارگری زیاد گفته و نوشته شده است. با وجود اختلاف نظرات اما تقریباً همه متفق القولند که همزمان با تعرض نظام سرمایه داری به دست آورد ها و حقوق و حق معیشت کارگران در سراسر جهان، کارگران ایران در کنار تحمل همه محدودیت ها و ستم و استثمار نظام حاکم، سالها است که تبعات پیاده کردن سیاست های نئولیبرالی را تجربه میکنند. از این بابت نیز مورد تعرض و حشایانه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران قرار گرفته اند.

اگر طبقه کارگر در اغلب کشورهای سرمایه داری بویژه در کشورهای اروپا در نتیجه اعمال سیاست های نئولیبرالیستی با بیکار سازیهای دسته جمعی، تورم و کاهش دستمزد های واقعی و از دست دادن دست آوردهای چندین ده ساله مواجه شدند حد اقل تا کنون توانسته اند برخی از دست آوردهای خود را هر چند بصورت تعدیل یافته حفظ کنند. نظیر برخورداری از حق بیکاری، ...
در صفحه ۲

رفراندوم ترکیه: آری به حکومت اسلامی

را در قاموس یک سری اصلاحات سلطنت مآبانه در هم ریخته و در صدد نهادینه کردن یک رژیم سلطنتی-اسلامی در ترکیه بر آمده است.
ادامه در صفحه ۶

روز 16 آوریل، رفراندوم تغییر در قانون اساسی ترکیه از طرف رژیم اردوغان رسماً اعلام پیروزی کرد. این تغییرات بتدریج تا سال 2019 نهادینه خواهند شد. اردوغان برای تمديد قدرتش و خفه کردن هر گونه صدای مخالفی، ناسیونالیسم و اسلام

:: در صفحات دیگر ::

اعلامیه اول ماه مه ۲۰۱۷
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در صفحه ۱۱

اعلامیه اول ماه مه
کمیته آذربایجان

در صفحه ۱۳
تراکت ها و فراخوان
بمناسبت اول ماه مه

گرامی باد اول ماه مه روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان!

در سال 1886 در اعلامیه فراخوان کارگران به شرکت در تظاهرات اول ماه مه در آمریکا چنین نوشته شده بود.

«یک روز شورش - نه آرامش! روزی که حرف، حرف سخنگویان لاف زن نهاد های اسیر کننده طبقه کارگر جهانی نباشد. روزی که طبقه کارگر قوانین خویش را برپا دارد و قدرت اش را دارد که این قوانین را به اجرا در بیاورد. قوانینی که تماماً خلاف موافقت استثمارگران و حکمرانان بر سر نوشت طبقه کارگر است.»
ادامه در صفحه ۹



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

درآستانه اول ماه مه



بحران های مشابه و خواست های مشابه دست به مبارزه میزنند، تحقق نیافته است . بی تردید این مبارزات بدون فعال بودن رهبران عملی که عموماً از طریق مجامع عمومی خودکارگران انتخاب میشوند به پیش برده نمیشوند و نمیتوانستند هم به پیش برده شوند . معهذاً رژیم تلاش کرده با دستگیری و تهدید و تطمیع رهبران کارگری و یا بادیستگیر و زندانی کردن آنها امکان سازماندهی و بوجود آوردن همبستگی و اتحاد در عمل کارگران را مانع شود. و یا فریبکاری نمایندگان خود گماشته و شوراهای اسلامی را به جلو صحنه رانده و با دفاع ظاهری از کارگران و با وعده و وعید های توخالی در بین آنها، اختلاف بیاندازند . از همبستگی و اتحاد کارگران واحد های مختلف جلوگیری بکنند و مبارزات آنها را منحرف و زیر سیطره خود درآورند . در چنین شرایطی در فقدان رهبران واقعی ، رهبرانی که در صورت آگاهی به منافع طبقاتی خود و آگاهی به روند های سیاسی اجتماعی و پایداری در دفاع از کارگران نوش دارویند در غیر اینصورت زهر هلاهل، رهبران خود خوانده و دلسوزان طبقه کارگر هم از میان روشنفکران از طبقات مختلف و نیز از میان کارگران بسیارند که بیاد طبقه کارگر میافتند با تئوریهای ضد و نقیض برای طبقه کارگر نسخه میپیچند ، میخواهند خارج از محیط کار و مبارزه، برای کارگران تشکل ایجاد بکنند ، تومار امضا جمع میکنند تا اگر بورژوازی تاب تحمل اعتصابات کارگری را ندارد به درخواست امضا کنندگان عطف توجه کرده و بگذارد بصورت مسالمت آمیز به ایجاد تشکل های مورد نظر خویش همت گمارند!! اینگونه «رهبران» اگر چه میان کارگران نبوده اند و حتی یک اعتصاب

هراعتصاب و اقدامات کارگری منفک یا با سرکوب مواجه میشود و یا با فریب و نیرنگ آن را از مسیر اصلی خود منحرف میکنند و هیچ گونه اجازه ای به امکان اعتصابات سراسری و همبسته نمیدهند. فعالین و پیشروان کارگری را شناسائی و به زندان میاندازند و به اعتراضات بین المللی وقعی نمینهد. با این همه محرومیت ها و بگیر و ببند ها اما طبقه کارگر ایران راهی نداشته و ندارد جز اینکه برغم پراکندگی و نبود تشکل و تحزب و با وجود محروم بودن از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود، به مبارزه برخیزد ، تا آنجا که میتواند چهارچوب های قانونی ارتجاع را بشکند، دست به اعتصاب ، اعتراض و تظاهرات بزند . بی اغراق تحرک کارگران ایران در سالهای اخیر بویژه در سال گذشته در سطح جهان بی نظیر بود. صد ها اعتصاب ، تحصن ، تظاهرات ، بستن جاده ها ، تعطیل کارخانه ها بوقوع پیوست . فقط به اخبار کارگری دوسه روز اخیر منتشره در روزنامه ها و سایت ها، نگاه کنید تا ابعاد وسیع اعتراضات و اعتصابات و خواست ها و مطالبات مطرح کارگران را در سراسر ایران دریابید . این اعتصابات پراکنده است. بدون اینکه تاثیر همه جانبه آن راد در مهارزدن به تعرضات رژیم انکار بکنیم و آن را بمثابة بزرگترین مکتب آموزش طبقه کارگر حتی تارده های پائین آن در مواجهه با نظام سرمایه داری انکار کنیم. اما این مبارزات هنوز از انفراد و پراکندگی خود بدر نیامده است. اتحاد عمل پایدار حتی رشته هائی از صنایع و مراکز کارگری که با

... بیمه های اجتماعی ، حق اولاد ، مسکن و حق تشکل اعتصاب و غیره .. اما کارگران ایران در حالی با این تعرض و حشیانه نظام سرمایه داری در جهان و ایران مواجه اند که از حق تشکل ، اجتماعات ، اعتراضات و آزادی بیان محرومند . به جز بخش اندکی از طبقه کارگر، کارگران ایران از بیمه های اجتماعی ، از حقوق بیکاری ، تامین و تضمین شغلی محرومند . بین سطح دستمزد ها با قدرت واقعی خرید شکافی پر نشدنی وجود دارد که در نتیجه تورم داخلی و انتقال رکود و تورم سرمایه جهانی و برداشته شدن سوبسید کالاهای ضروری این شکاف هر ساعت و روز بیشتر و بیشتر میشود. عدم پرداخت حقوق و دستمزدها ، سردانندن و خسته کردن کارگران ، همزمان فشار و تهدید برای قبول تصمیمات ضد انسانی و ضد کارگری کارفرماها و دولت به صورت گسترده در جریان است . قراردادهای موقت ، سفید امضاء، بعد از زیر و رو کردن کارخانجات و شرکت های خصوصی و نیمه دولتی به بخش های دولتی نیز تعمیم داده شده است . گروه گروه کارگران رسمی اخراج و به جای آنها تعداد کارگران کمتری را با قرارداد های برده ساز به کار میگمارند. ناهنجاریهای اجتماعی و محرومیت های وصف ناپذیر دامن کودکان ، زنان و جوانان و نوجوانان طبقه کارگر را نیز گرفته و آنها را به تباهی کشانده است.

درآستانه اول ماه مه...

کارگری را هم تجربه نکرده اند اما توسط اتحادیه های زرد کارگری به رهبران شناخته شده جنبش کارگری آن هم نه در ایران بلکه در سراسر جهان تبدیل میشوند!! علاوه بر اینها جناح های مختلف بورژوازی نیز بیکار ننشسته اند، از اصلاح طلبان محو ولایت فقیه گرفته تا روشنفکران لیبرال طبقه متوسط، استادان دانشگاه ها و نویسندگان و روزنامه نگارانی که خود بیشتر از همه خواهان ثبات سرمایه و پیاده شدن بی دردسر نئولیبرالیسم و قوانین سرمایه جهانی در ایران هستند سعی میکنند از این نم کلاهی برای خود بیافند.

تهاجم به طبقه کارگر ایران و تحرک متقابل کارگران بقدری شدید و گسترده است که حتی سازمانهای سیاسی طرفدار طبقه کارگر هم ظرفیت انعکاس مبارزات کارگران و کنش و واکنش سیاسی در قبال آن را در خود نمیابند. هنوز اطلاعیه حمایتی از یک حرکت منتشر نشده کارگران حرکت بعدی و اقدام بعدی را انجام داده اند.

این جدالی است که در صحنه سیاسی ایران جریان دارد. اگر تحولات در عرصه جهان، منطقه و ایران را نیک بنگریم برخلاف ترهات خورده بورژواها و بورژوالیبرالها، این جدال تعیین کننده اصلی روند های سیاسی در ایران و منطقه است.

تنها از این منظر است که میتوان درک درستی از مضمون و راستای مبارزات طبقه کارگر ایران بدست آورد و تنها از منظر تحولات و درگیریهای طبقاتی است که میتوان تحولات سیاسی ایران و سرمایه جهانی در رابطه با ایران را نشانه گرفت و پاسخ درستی دریافت کرد.

هم سرمایه جهانی و هم سرمایه داری ایران در راس آن دولت اسلامی مسلما خواهان تغییرات در جهت هماهنگ شدن با سرمایه جهانی در پیش برد سیاست نئولیبرالی و استقرار یک نظام سرمایه داری مبتنی بر بخش خصوصی در ایران هستند و در این شکی نیست. دولت روحانی در شتاب دادن به پیاده کردن دستورالعملهای بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول طی چهار سال گذشته تلاش زیادی کرد تا این روند را بدون مواجهه با حرکتها و شورشهای کارگری به سرانجام مطلوب برساند اما هنوز قادر نشده است مقاومت کارگران را درهم شکسته و سیاست های ضد کارگری نظام را بی دغدغه خاطر پیاده کند.

اشتباه است اگر تصور کنیم که دولت ایران در پرداخت حقوقهای معوقه دچار کمبود و بحران مالی است. برعکس درآمد سرشار نفت تاکنون نه تنها دولت را در سازماندهی ارگانهای سرکوب و اداره بورکراسی عریض و طویل یاری رسانده است بلکه بخش مهمی از طبقات متوسطه جامعه نیز با متمتع شدن از این خون یغما به پایگاه آن تبدیل شده اند. بعلاوه این درآمد سرشار درجائی که مقاومت کارگران واحدی شکست ناپذیر شده است به کمک دولت آمده تا با پرداخت بخشی از حقوق عقب افتاده، از تشدید مبارزه آنها جلوگیری کنند. مسئله عبارت از این است که قوانین سرمایه جهانی مثل هر کشور دیگر سرمایه داری باید در ایران هم پیاده شود. راه گریزی از آن نیست. بدون این پیش شرط ها نه سرمایه ایران ثبات کافی را خواهد داشت و نه امکان سوخت و ساز منظم و بی دردسر آن با سرمایه جهانی و نیات امپریالیسم امکان پذیر خواهد بود.

معضل طبقه حاکم مبتنی بر نظام اسلامی در پیاده کردن این استراتژی، گسترش اعتراضات اجتناب ناپذیر کارگری است. مهار این جنبشها و جلوگیری از رادیکالیزه شدن آنها تنها از طریق سرکوب و یا ایجاد جنگ و درگیری در داخل همچون دامن زدن به جنگ مذاهب و یا دامن زدن به بحرانهای خارجی امکانپذیر و قابل مهار میتواند باشد.

سرمایه جهانی در راس آن امپریالیسم آمریکا هم که خواهان تغییرات مورد نظر خود در ایران و سلطه در منطقه است، از رادیکالیزه شدن جنبش کارگری هراس دارد. حاضر است شاخ و شانہ کشیدن های گاه و بیگاه سران رژیم را تحمل کند به شرطی که این پروسه را آنقدر طولانی نکنند که جنبش کارگری غیر قابل کنترل شده و به یک جنبش سوسیالیستی رادیکال تبدیل شود و تحولات از دست آنها خارج گردد. چون اگر چه هنوز در نبود جریانات انقلابی و سوسیالیستی در منطقه جریانات ارتجاعی اسلامی میدان دار مبارزه با باصطلاح سلطه طلبی غرب شده اند اما آنها میدانند که در ایران دیگر مذهب امتحان خودش را پس داده و باتوجه به یک انقلاب عظیم در گذشته، اگر این جنبش کارگری مهار نشود و اوضاع به همین منوال سپری گردد، خطر یک انقلاب رادیکال کارگری هم ایران و هم منطقه را تهدید خواهد کرد.

با توجه به این واقعیت میتوان مدعی شد که جنبش کارگری در ایران و یا حرکت های کارگری در ایران برغم خواست های اقتصادی و عمدتاً دفاعی، اما جدالی است نه تنها اقتصادی در عین حال سیاسی که افت و خیز آن سرانجام سرنوشت آزادی، دموکراسی و برابری و غیره را در جامعه رقم خواهد زد.

ادامه در صفحه بعد...

درآستانه اول ماه مه...

اکنون درآستانه اول ماه مه با توجه به این موقعیت است که میتوان به حدود و ثغور مطالبات و شعارهای کارگران اشاره کرد.

مسئله نئولیبرالیسم یک سیاست جهانی سرمایه داری است. تهاجم سرمایه به کارگران و تبعات آن نظیر اخراجها، قراردادهای موقت و پائین بودن حقوقها و غیره مسئله همه کارگران جهان است که میتواند به مثابه شعارهای عمومی بیانگر همبستگی کارگران جهان در مواجهه با تعرضات سرمایه نیز باشد.

اما در عین حال وضعیت طبقه کارگر ایران ویژه است و ویژه گی آن این است که مبارزات کارگران ایران بدلیل ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران گذشته و حال طبقه کارگر و... در درخواست های صنفی متوقف نمیشود. مبارزات طبقه کارگر در شرایط فعلی ایران از عنصر بسیار قوی ساختارشکن برخوردار است. بنا براین در کنه خودش سیاسی است، در عین حال بدلیل ایستادگی در برابر قوانین جهان شمول سرمایه داری، یعنی نئولیبرالیسم، بین المللی هم هست.

پس طبقه کارگر در همبستگی خود با کارگران جهان باتوجه کارگران دارای منافع مشترک و در خیلی از موارد شعارها و مطالبات مشخص هستند. بنا براین شعارهای اول ماه مه خود را لزوما باید با توده کارگران هماهنگ سازد نه سران اتحادیه های زرد بوروکرات که خود به نحوی در پیاده کردن قوانین سازمانهای بین المللی و ملی سرمایه همدست آنها هستند.

همینطور باید سعی کرد در ارتباط با کارگران کشورهای دیگر ویاری طلبیدن از آنها، ارتباط از پائین را تایید و تشویق کرد. چرا که

اتحادیه ها با حرکت های رادیکال کارگران ایران که ناگزیر از انجام آن هستند موافق نخواهند بود و از آنها به حمایت عملی بر نخواهند خواست و علاوه بر آن سیاستها و ارتباطات و منافع دولت خود را به منافع کارگران ایران ترجیح خواهند داد. و در نهایت حمایت آنها از حد نامه نگاری فراتر نخواهد رفت. اما شناسائی موقعیت کارگران ایران توسط توده های کارگر و ارتباط از پائین با آنها در آینده که اتحادیه های زرد در مقابل حرکت رادیکال ضد سرمایه داری کارگران ایران قرار خواهند گرفت، توده کارگران میتوانند مدافع عملی جنبش کارگری ایران باشند و نه با ورق پاره های فاقد تاثیر بلکه با اقدامات عملی خود، کارگران ایران را یاری رسانند.

پس در این عرصه شعارهای طبقه کارگر ایران میتواند تبعات عمومی نئولیبرالیسم را هدف قرار دهد که جنبه جهانی دارد. مثل عدم پرداخت حقوقهای معوقه، بستن کارخانه ها و مراکز تولیدی، اخراجهای دسته جمعی، آزادی تشکیل سندیکا ها و اتحادیه ها و احزاب، یکی از موارد بسیار عمومی و مهمی هستند که طبقه کارگر ایران عموماً درگیر مبارزه با آن بوده و خواهد بود.

در این عرصه کارگران ایران بویژه کارگران پیشرو باید بدانند که امکان اینکه بتوانند در بلند مدت جلوی خصوصی سازی را بگیرند و مانع از تورم و افزایش قیمتها و برداشته شدن سوبسید و در نتیجه عدم پرداخت حقوقها و سردواندن و اخراجهای دسته جمعی بشوند، امکانی ناشدنی و توهمی بیش نیست. در آن صورت سرمایه داری سرمایه داری نمیشد. کارخانه ها و صنایعی که باید خصوصی بشوند، خصوصی خواهند شد. کارخانه ها و صنایعی که در عرصه بازار

آزاد سرمایه داری و تحت قوانین نئولیبرالیسم قادر به رقابت در بازارهای مصرف نیستند با همه عظمت شان با هر تعداد کارگری که داشته باشند از دور خارج خواهند شد و کارگران آنها دیر یا زود اخراج و باز خرید خواهند گردید.

از این رو در کنار شعار پرداخت حقوق های معوقه و برگرداندن کارگران اخراجی به سرکارهایشان که بمثابة اهرم فشار عمل میکنند. میباید بطور وسیع و قاطع حقوق بیکاری و بیمه های اجتماعی را در تمام سطوح شاغلین و بیکاران مطرح کنند. کارگران باید دست کمک های موسسات خیریه را که بدینوسیله میخواهند اوضاع را برای بخشی از آنها قابل تحمل تر کنند تا بتوانند بتدریج سیاست های خود را پیاده کنند، کنار بزنند. طبقه کارگر صدقه بگیر نیست.

قراردادهای دسته جمعی، حق اعتصاب و حق تشکل خواست نیست، حق طبقه کارگر است. هیچ کس دیگری نمیتواند به او بدهد و یابدل و بخشش کند، شعار کارگران باید این باشد که همزنجیران و همکاران خود باید تشکل مورد نیاز خویش را ایجاد کنیم. این شعار را باید تبلیغ و ترویج و در ذهن توده کارگران جاگیر کنند، که تشکل حق آنهاست.

قرارداد دسته جمعی، اعتصاب، تظاهرات و تجمعات حق ما است و کسی نمیتواند آنرا از ما بگیرد. اعتصاب حق مسلم ماست.

اگر چه گاهی آزادیهای سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی جنبه سمبولیک به خاطر اهداف مبارزاتی طبقه کارگر بخود میگرد و خیلی ها از طرح چنین شعارهایی اجتناب میورزند و آنرا را چپ روی میدانند. امروز که مدام زندان و شکنجه کارگران را تهدید میکنند. کارگران

درآستانه اول ماه مه...

زیادی در زندان بسر میبرند و در هر اعتصاب نیز عده بیشتری دستگیر و اگر موقت هم شده روانه زندان میشوند. شعار آزادی زندانیان سیاسی ربط مستقیمی پیدا میکند با خواست ها و مطالبات توده وسیع و اعتصابی کارگران بنابراین آزادی زندانیان سیاسی، برابری زنان، محو تبعیضات جنسی، لغو کارکودکان، آزادی بیان

میتواند جزو شعارهای اول ماه مه امسال باشد.

مبارزات صنفی کارگران یکی از ابزارهای ضروری مبارزه با گرایش نظام سرمایه به کاهش سطح زندگی کارگران است. روشن است که اگر این مبارزه جدا از مبارزه سیاسی کارگران صورت گیرد سرانجام به تبعیت از منافع طبقه سرمایه دار کشیده خواهد شد.

از این رو بی شبهه وظیفه کارگران پیشرو سوسیالیست متشکل در احزاب سیاسی و یا محافل کارگری است که ضمن رهبری مبارزات روز مره کارگران، برخورد ها و اعتصابات منفرد را در یک مبارزه طبقاتی واحد سازمان دهند.

علاوه بر اینها هر تشکل کارگری ولویه شکل اتحادیه با توجه به وضعیتی که از آن صحبت کردیم باید مد نظر قرار دهند که مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در شرایط فعلی تنها در ارتباط صحیح با مبارزه سیاسی آن میتواند به بهبود وضعیت اقتصادی و زندگی آنها کمک کند. از اینرو نه تنها از منافع اقتصادی بلکه از منافع سیاسی بلاواسطه طبقه کارگر نیز باید و مجبورند دفاع کنند.

در این مبارزه توامان است که تشکل سراسری و اتحاد اقتصادی و سیاسی طبقه

کارگر میسر میشود. و هر چه بیشتر پرچم الترناتیو سوسیالیستی را در جنبش های اجتماعی در اهواز در میاورد. روندی که در آن بخش آگاه و پیشاهنگ پرلتاریا متحد و متشکل میشود و مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد نظم سوسیالیستی و شرایط لازم برای تحقق آن را هدایت میکند.

در عین حال این تشکلهای بویژه کارگران پیشرو در عین فعالیت و رهبری مبارزات روز مره، اگر نتوانند هسته ها و حوزه های

منسجمی که بتواند با تلفیق کار علنی و مخفی به مبارزات کارگران تداوم بخشد، بوجود بیاورند، این خطر وجود دارد بود که این تشکل ها به تشکلهای قانونی تبدیل شوند که رژیم از آنها برای تعدیل مبارزات کارگران استفاده میکند و یا بطور کلی در مقابل فشارهای دولت و سرمایه داران دوام نیاورده و مضمحل خواهند شد. ■

تراکت شماره 1 بمناسبت اول ماه مه (11 اردیبهشت)

کارگران مبارز!

سال گذشته مبارزات کارگران در شکل اعتصابات، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزه بر علیه تعرض بیرحمانه سرمایه داران و دولت سرکوبگر آنها ابعادی گسترده یافت. با تشدید مداوم بحران اقتصادی و تداوم ستمگری و سرکوبگری طبقه حاکم، مبارزات کارگران و زحمتکشان هر چه گسترده تر خواهد شد. هم اینک طلیعه تشدید مبارزه طبقاتی و اعتلای جنبش کارگری در حال دمیدن است. کارگران و زحمتکشان بار دیگر برای بدست گرفتن سرنوشت خود و برای رهائی از چنگ فقر و بدبختی و ستم و استثمار و زور و سرکوب به میدان مبارزه آشکار روی خواهند آورد.

روز اول ماه مه را به مبارزه برای وحدت و تشکل، رسیدن به خواست های اقتصادی و سیاسی و به مبارزه برای تحقق شعار کار، مسکن، آزادی تبدیل کنیم.

شعارهای مطالباتی تمام بخش های کارگری را طرح و خواستار وحدت و تشکل کارگران شویم!

افزایش سطح دستمزدها متناسب با نیازهای یک زندگی استاندارد! شمول بیمه های اجتماعی برای کلیه کارگران شاغل و بیکار در شهر و روستاها! لغو فوری قانون قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران قراردادی! توقف اخراجها و بازگشت همه اخراج شده گان به سرکارهای شان! برابری حقوق زن و مرد و رفع ستم جنسی در تمامی عرصه ها! پرداخت کمک مسکن استاندارد و متناسب با درآمد خانوار و سطح اجاره بها! کمک اولاد

لغو کارکودکان و ایجاد امکانات تحصیلی و تفریحی برای آنها! آزادی زندانیان سیاسی آزادی مطبوعات و تشکلات صنفی و سیاسی!

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 25 فروردین 1396

رفراندوم ترکیه: آری به حکومت اسلامی

... در ظاهر امر، این قوانین پیشنهادی گویا قرار بود توافقات فرا حزبی را با کمالیستها ممکن سازد و همچنین به مدرنیزه کردن (البته منظور اردوغان اسلامیزه کردن آن است) قانون اساسی موجود ترکیه کمک کند. قانون موجود که توسط قدرت مطلقه دیگری دیکته شده بود که بعد از کودتای 1980 بقدرت رسید و طبیعتاً تأثیر گرفته از بالانس قدرت در آندوره مشخص بین سیستم حاکم از یک طرف، و جنبش مبارزاتی مردم از طرف دیگر بود، اختیارات محدودی به دولت، و دخالتگری مشخصی در حوزه پارلمان به نمایندگان مجلس میدهد. ولی در نتیجه این همه بررسی، اردوغان و کلا نهاد ریاست جمهوری از یک اتوریتته مطلقه برخوردار خواهد گشت.

طبق این قوانین جدید، ترکیه از یک کشور پارلمانی به یک جمهوری "ریاست جمهوری" تبدیل میشود:

- پست نخست وزیری بدور انداخته خواهد شد و در عوض معاونت ریاست جمهوری بوجود میآید که تعداد این معاونین مطابق میل ریاست جمهور تعیین خواهد شد.

- رئیس جمهور بعنوان صدر دولت و مسئول اجرایی رسمیت پیدا میکند و مناسبات حزبی اش نه تنها محفوظ بلکه میتواند در صدر رهبری آنها باقی بماند و این نقطه پایانی به سنت بی طرفی رئیس جمهوری در سیستم سیاسی ترکیه خواهد بود.

طبق قانون اساسی ترکیه رئیس جمهور پس از انتخاب شدن باید روابط حزبی اش را با حزب متبوعش قطع کند.

- اختیارات رئیس جمهور بیش از پیش شده و اختیار انتخاب هیات وزیران، طرح تهیه

بودجه و تخصیصات آن، تعیین قضات ارشد و همینطور تعیین فرمانها و قوانین خاص تماماً در اختیار او خواهد بود.

- اعلام وضعیت اضطراری و معزول کردن اختیارات مجلس در اختیار ریاست جمهور قرار خواهد گرفت.

- تمدید ترمهای انتخابات یکی دیگر از این تغییرات است. به این معنا که اردوغان برای یک ترم دیگر هم میتواند کاندید شود و ممکن است تا سال 2029 همچنان در قدرت بماند.

- سن شرکت در انتخابات مجلس از 25 سال به 18 سال تقلیل داده میشود.

- برقرار کردن مجدد مجازات اعدام هم شامل این تغییرات میگردد.

- پارلمان حق بررسی و پرسش و پاسخ از وزیران و پیشنهاد تحقیق در اینموارد را از دست خواهد داد. اگرچه پروسه استیضاح را میتواند شروع کرده و یا با اکثریت رای میتواند ریاست جمهوری را مورد تحقیق قرار داده و دادگاهی کردن رئیس جمهور نیاز به دو سوم رای نمایندگان (شرطی که اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار بدست خواهد آمد) مجلس خواهد داشت.

- همچنین تعداد نمایندگان از 550 به 600 نفر افزایش یافته و انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان همزمان هر 5 سال یکبار برگزار خواهند شد.

چرا تغییر در قانون اساسی؟

طی چند سال گذشته و قدرتگیری اردوغان، ترکیه زیر فشار ظلم و ستم، سرکوب و ترور، وحشت، و هرج و مرج صحنه مبارزات توده ای بالاخص مقاومت خلق گرد بوده است. رژیم اردوغان اعتصاب را ممنوع کرده و روزنامه ها و انتشاراتی های بسیاری

بسته شده اند و هزاران مخالف را یا اخراج و یا روانه زندان کرده است.

اردوغان در همین 2 سال و نیمه ریاست جمهوری اش بشکل بی سابقه ای به سطح معیشت توده های کم درآمد دستبرد زده که پیامدی جز سطح حداقل دستمزد که پایین تر از خط فقر است، صفهای طولانی برای پذیرش در بیمارستان، بیکاری و تورم، افزایش روز افزون قرضهای بانکی و در یک کلام اقتصادی ورشکسته و وضعیتی نکبت بار را برای مردم ترکیه به ارمغان نیآورده است.

بحران اقتصادی ترکیه، چیزی که اردوغان منکر آنست، در حال حاضر سیر صعودی ای داشته و ارزش لیره در مقابل دلار با یک اُفت تاریخی مواجه شده است که بویژه بعد از کودتای نافرجام جولای گذشته سرمایه گذاری در کشور را با تردید و ترس توأم کرده است. البته این کودتا برای اردوغان از نعمات الهی! بود او با توسل به این کودتا (حتی اگر یک سیاه بازی از طرف خود اردوغان نبوده باشد) سرکوب گسترده و موجی از ترور مخالفین بویژه رهبران جنبش کرد و مردم کردستان را براه انداخت. و با حفظ امنیت ملی، فضای پلیسی جامعه را نرمالیزه کرد.

در ضمن، بحران سیاسی در حزب عدالت و توسعه اردوغان با از دست دادن طرفداران بسیاری در بین مردم در حال افزایش است. در طی سه سال گذشته پی در پی کرسی های زیادی را در مجلس شورای ترکیه از دست داده و از انتخابات سال 2011 تا سال 2015 بیش از 9 درصد از آراء این حزب سقوط کرده است.

تحت این اوضاع متشنج اقتصادی-سیاسی، و با اعلان شرایط اضطراری، اردوغان تغییرات در قانون اساسی را به یک همه

رفراندوم ترکیه: آری به حکومت اسلامی...

پرسی عجولانه سپرد. همه پرسشی ای که فرض را بر آن گذاشته بود که مردمی که پای صندوقهای رای میروند دقیقاً نمیدانند که به چه تغییراتی و پیامدهای آن در زندگی روزمره شان آری یا نه میگویند. بنابراین با ادعای مدرنیزه کردن قوانین، ارتجاع و فاشسیم از لای قیابش بیرون نخواهد زد.

اپوزیسیونی که طی چند سال گذشته بشدت زیر ضرب و رهبران تحت تعقیب و یا در زندان بسر می برده اند، از یک موقعیت برابر برای کمپین و افشاگری از این اصلاحیه ردیالانه برخوردار نبود و جولان پوپولیسم الترا راست در قدرت سیاسی، در غرب بویژه در آمریکا مزیدی دیگر بر علت شد. این حال و هوای ایده آل و مستعد، عرصه را برای یک تعرض حسابشده و استقرار یک حکومت بلامنازه و اسلامیزه کردن جامعه توسط اردوغان آماده ساخت و همزمان برای جلب حمایت ترامپ به تکاپو افتاد.

چندی پیش اردوغان فراخوان برقراری یک روابط قویتری با آمریکا را داد و گفت که دولت او با ما در ارتباط با مسئله کردها او را فریب داده و در قرار دادن پ.ک.ک در لیست یک سازمان تروریستی جهانی مسامحه کرده است. او در مصاحبه ای با الجزیره اعلام کرد: " ما با دولت او با ما در تروریستی بودن پ.ک.ک توافق دو جانبه داشتیم ولی او با ما را فریب داد. من باور نمی کنم که دولت ترامپ همین کار را با ما انجام دهد، شیوه ای که پرزیدنت ترامپ به مسائل برخورد میکند بسیار دلگرم کننده است و باعث خوشحالی ما است".

البته اردوغان از این بابت خیالش آسوده بود که همانطور که در این یکی دو روزه اخیر، پته مایکل فلین، مشاور سابق امنیت ملی

ترامپ روی آب افتاده است، لابی مقتدری همچون فلین در تیم ترامپ دارد. از قرار معلوم مایکل فلین سال گذشته مبلغ 600 هزار دلار بابت معامله لابیگری از ترکیه دریافت کرده است.

مردم بشدت از وضعیت معیشتی شان ناراضی هستند و تتمه ای که از شرارت‌های نئولیبرالیسم و ریاضت اقتصادی اش برای مردم بجا مانده با این اوضاع فلاکتبار اقتصادی همان هم مورد تهدید قرار گرفته است. در عین حال رژیم اردوغان بهیچ وجهی تحمل تظاهرات مردم و دخالتگری نمایندگان احزاب مخالف در پارلمان را ندارد. اردوغان برای مغبون کردن توده ها از الگوی ترامپ پیروی می کند. درست مثل جریان ترامپ، هم از ناسیونالیسم تغذیه می کند و هم از باورهای مذهبی توده مردم. اردوغان راه برون رفت از این گرداب سیاسی- اقتصادی را در تمرکز هر چه بیشتر قدرت می بیند که هرگونه اعتراض و حرکت مخالف جریان را بتواند در نطفه خفه کند و البته این فقط از یک رژیم مستبد با مشیت آهنین اش بر می آید، که این تغییرات در قانون اساسی همین را در اختیار او میگذارد.

بنا بر همین نیاز، قانون اساسی ترکیه را بنفع کنترل و تمرکز گسترده قدرت در دست ریاست جمهوری تغییر میدهد و اختیارات مستبدانه و بلامنازعی را بدست میآورد که سیستم سکولار ترکیه را به یک تئوکراسی اسلامی استحاله میکند. نهادینه کردن این تغییرات بطور بالقوه موانع قانونی را برای اعمال دیکتاتوری و قوانین شریعه از طریق تضعیف هر چه بیشتر پارلمان، از سر راه برمیدارد. طبعاً سرکوب خونین و کامل مخالفین و جنبش کردستان از اولین دستاوردهای سیاه آن خواهد بود همانطور که

رژیم اسلامی ایران در سالهای 57 به بعد و بالاخص در دهه 60 انجام داد.

تقلب و عدم دموکراسی در پروسه رفراندوم
اردوغان قبل از اینکه فرصت کافی به افکار عمومی برای بررسی این 2000 قانونی که قرار است تغییر پیدا کند، بدهد با شتاب آنرا به رای عمومی گذاشت که بنفع خود او رای بیاورد.

رژیم اردوغان ابتدا با دستگیری رهبران احزاب مخالف، تاثیر و کارآمدی جنبش اعتراضی و اپوزیسیون را از آن گرفت و آنرا عملاً زمینگیر کرده بود. و در حالیکه رهبران پرو-گورد حزب دموکراتیک خلق در انتظار حبسهای طولانی مدت در زندانها بسر می برند و فعالینش تحت پیگرد پلیس اردوغان قرار گرفته اند، به تاخت و تاز تبلیغاتی و فریبکاری برای جلب آراء مردم مشغول شد.

همینطور با بازداشت روزنامه نگاران، نمایندگان معترض مجلس، و فعالین اجتماعی و بستن نزدیک به 150 روزنامه، نشریه و رسانه مقدمات یک جو پلیسی و وحشتبار را برای یک همه پرسشی دستکاری شده فراهم ساخت. در حال حاضر تعداد بازداشت شده ها به 145 هزار میرسد و بیشتر از 130 هزار نفر به جرم ارتباط با کودتای ارتشی جولای، از پست ها و مشاغلشان اخراج گشته اند. با این بهانه اردوغان به همه مخالفینش مهر تروریست زده و پلیس اش را برای سرکوب همگانی بسیج کرده و مجلس، قوه قضاییه و سایر مراکز قدرت را تحت کنترل کامل خود او قرار داده است.

شهرهای بزرگ ترکیه استانبول، آنکارا، و از میر که نقش تعیین کننده ای در بافت سیاسی-فرهنگی-اقتصادی ترکیه داشته و صحنه تظاهرات و اعتراضات توده ای

رفراندوم ترکیه: آری به حکومت اسلامی...

بسیاری بوده اند بیشترین آراء "نه" را به صندوق انداختند. بیشترین دستگیریه‌ها و اخراجها هم در این شهرها و مناطق کرد اتفاق افتاده است.

خالی کردن میدان رقابت از مخالفین، ضرب و جرح فعالین جنبش مبارزاتی و سرکوب هر گونه حرکت مخالفی، بزرگترین گناه غیر دموکراتیک بودن هر انتخابات و همه پرسسی ای است.

فریبکاری و تقلب انتخاباتی هم فقط در دایره فرضیات و گمانه زنی نیست در حقیقت احزاب دموکراتیک خلق و جنبش ملی گرای ترکیه اعتقاد دارند دست کم 4 درصد آراء دستکاری شده و 2 تا 2.5 میلیون رای بدون مهر دولتی بِنفع اردوغان شمرده شده است. احزاب جمهوریخواه و حزب دموکراتیک خلق نتایج این رفراندوم را به چالش کشیده اند و امیدوار هستند که مشروعیت این رفراندوم در دادگاهی کهدر مقابل تهدیدهای اردوغان مرعوب نگشته باطل اعلام گردد. اگرچه دست اندر کارانی که کسب و کارشان بقدرت رساندن فاشیست‌هاست و در عین حال قوه قضاییه را هم در کنترل خود دارند این چالش را در حد یک کنایه هم بحساب نیاورده و همچنان مسرور از پیروزی بر این باور اند که توده های مردم انتخابشانرا کرده و پروسه رفراندوم یک پروسه دموکراتیک بوده است.

سرنوشت عضویت در اتحادیه اروپا

آندسته از احزاب یا گرایشاتی که نگران تعلل در پروسه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند حق دارند که موقعیت این پروسه را در مخاطره جدی ببینند. مشکل اتحادیه اروپا با کاندیداتوری ترکیه تحت قدرت اردوغان، دلایل متعددی دارد ولی ساپورت

علنی از تروریسم اسلامی و تامین نیازهای متعدد آنان در منطقه و نقض آشکار حقوق بشر در رابطه با شهروندانش از بارزترین موانع و اخلال در روند عضویت ترکیه بشمار می آیند.

از آن گذشته، موج اولترا راست در اروپا که با یکی از ویژگی هایش که ضدیت با ترکهای مقیم اروپا مهر خورده است از مخالفین عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند و از سوژه سیاسیت‌های فاشیستی اردوغان برای توجیه ترک ستیزی شان استفاده می کنند. عدم صدور مجوز برای برگزاری تظاهرات طرفداران اردوغان هم اگر چه در تنور مهاجر ستیزی و زینوفوبیای این احزاب بیشتر از گذشته دمید ولی بیشتر انعکاس منفور بودن رژیم اردوغان در افکار عمومی اروپا را نشان میدهد.

اردوغان که با صف آرایی رای دهندگان ناسیونالیست مقیم اروپا و تظاهرات آنان سعی داشت به افکار عمومی جهانی بقولاند که در بین مردم از محبوبیت بسیاری برخوردار است مقتضانه ناکام ماند. و در مواجهه با منع این تظاهرات از طرف کشورهای چوچون آلمان، اتریش و هلند، با فاشیست خواندن آنان عملا در ارتباط با مناسباتش با اتحادیه اروپا میخ آخر را به تابوت این پروسه کوبید. بیشتر این رای دهندگان در خارج ترکیه بنفع اردوغان رای دادند که خود میتواند در عین حال، نتیجه منفی وجود مهاجر ستیزی و تجربه تبعیض نژادی بر ترکهایی باشد که در این کشورها زندگی می کنند.

قابل ذکر است که اصلی ترین مانع در پیشرفت این پروسه، برقراری مجازات اعدام است که در سال 2004 بخاطر پیش شرط عضویت در اتحادیه اروپا ملغی شده بود. تاجاییکه به فرانسه و آلمان بر میگردد،

مذاکرات عضویت در اتحادیه اروپا، با برقراری مجدد مجازات مرگ در ترکیه امری خاتمه یافته تلقی میشود.

بعد از رای آری

حتی 51 درصد رای "آری" نمی تواند به این آسانی، این تغییرات اساسی را در تار و پود یک سیستم سیاسی سکولار مشروعیت بخشیده و به یک حکومت تمام عیار اسلامی و فاشیست جواز موجودیت بدهد.

این موضوع در واقع صحنه سیاسی ترکیه را برای یک بحران شدیدتر سیاسی بیشتر از پیش آماده میسازد. موضوع فقط با آوردن رای اکثریت مردم خاتمه یافته نیست بلکه نتایج و عواقب نکبت باری که برای مردم ترکیه در انبان دارد گریبان رژیم اردوغان را بطور جدی خواهد گرفت. ابعاد این تغییرات طبعا در عمل بسیار وخیمتر بوده و فراتر از احتمالات و انتظارات خواهد رفت و نتیجتا اردوغان و دارو دسته اش را با سیل اعتراضات توده ای و جنبشهای خیابانی عظیمتری روبرو میکند که ناچار است برای زنده ماندن، درست مثل رژیم اسلامی ایران، حمام خون براه بیاندازد و از چپ و راست قلع و قمع کند تا بتواند چند صباحی به به ثبات سیاسی دست یابد.

این رفراندوم از یک مشروعیت دموکراتیک برخوردار نبوده و پیامد آن رسمیت بخشیدن به یک استبداد اسلامی است. باشد که آینده ترکیه ایران کنونی جمهوری اسلامی نباشد و باشد که طوفان مبارزات مردم ترکیه بساط این رژیم خونبار و تروریستی را هر چه زودتر درهم کوبیده و به گورستان تاریخ بسپارد..

نوشین شفاهی

27 آوریل 2017

گرامی باد اول ماه مه روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان!

و ارتجاعی قدرت را در دست دارند، بعنوان یکی از کشورهای سرمایه داری جهان از این قانون مستثنی نیست. اینجا صاحبان سرمایه با تکیه بر قوانین مذهبی و سیاست سرکوب آزادیهای سیاسی و مدنی، جلوگیری از شکلگیری تشکلهای مستقل سندیکائی و احزاب و سازمانهای کارگری زمینه های تشدید استثمار و سودآوری سرمایه را برای سرمایه داران داخلی و خارجی بیش از پیش فراهم مینمایند.

نظام سرمایه داری و دولت مکتبی آن در ایران، شرایطی را بوجود آورده است که کارگران ایران از بسیاری حقوق شناخته شده شهروندی محروم هستند. حق تشکل و اعتصاب ندارند، نمیتوانند حزب طبقاتی خود را تشکیل دهند، از تامین و تضمین شغلی، بیمه های اجتماعی فراگیر و مکفی محرومند، اجازه برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه بمنظور طرح خواست ها و مطالبات شان را ندارند. به یمن فضای امنیتی و سیاست سرکوبگرانه دولت، کارفرماها از پرداخت بموقع حقوق و دستمزد ناچیز کارگران نیز خود داری میکنند. اعتراضات و اعتصابات آنها با دستگیری و زندان و شکنجه مواجه میشود. اضافه بر اینها، گرانی، بیکاری، بی مسکنی، تبعیضات جنسی و ناهنجاریهای اجتماعی بیشمار یکی، دیگر از مشکلات کمر شکن توده های زحمتکش مردم است.

سال گذشته برغم تشدید خفقان و سرکوبگریهای نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، مبارزات کارگران در شکل اعتصابات، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزه بر علیه تعرض بیرحمانه سرمایه داران

اول ماه مه تجلی اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران جهان برای رسیدن به چنین اهدافی است و بی تردید مبارزه کارگران ایران نیز بمثابة گردانی از طبقه کارگر جهانی در این راستای طریق میکند.

کارگران مبارز!

تعرضات نظام سرمایه داری به طبقه کارگر و زحمتکشان در سراسر جهان، تشدید تضاد بین کار و سرمایه، تشدید تضاد بین امپریالیستها که بصورت جنگهای خانمانسوز و ویرانگر نیابتی و غیر نیابتی برای تجدید تقسیم مناطق نفوذ جریان دارد، اظهار من الشمس است. و تکرار مکرر این همه فجایع بویژه برای میلیونها کارگر و زحمتکشی که با خون و پوست خود آن را لمس میکنند، دردی را دوا نخواهد کرد. در جهانی که هشت نفر از ثروتمندترینها ی اش به اندازه 3 میلیارد و 600 میلیون فقره بقیه مردم، ثروت در اختیار دارند. صحبت کردن از عدالت و نظام آزادیهای واقعی افسانه ای بیش نیست. ثروت باد آورده اقلیتی سرمایه دار ستمگر و استثمارگر و تشدید فقر و نداری و جنگ و آوارگی برای طبقه کارگر و محرومان جامعه، نمود واقعی و چهره عریان نظام استثمارگرانه سرمایه داری و استمرار تاکنونی آن در جهان است که باید با گسترش مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه به عقب رانده شده و سرانجام سرنگون گردند تا جوامع بشری بتوانند در آزادی کامل بر سر نوشت خویش حاکم شوند و برستم و استثمار، سرکوب، جنگ و سایر تبعات ویران کننده نظام سرمایه و سود پایان دهند.

در کشور ما ایران نیز صاحبان سرمایه و ثروت که بوسیله حاکمیتی مذهبی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست فرار سپید اول ماه مه 2017 (11 اردیبهشت) 1396 را به همه کارگران شادباش میگوید.

کارگران مبارز!

در سال 1886 در اعلامیه فراخوان کارگران به شرکت در تظاهرات اول ماه مه در آمریکا چنین نوشته شده بود.

«یک روز شورش - نه آرامش! روزی که حرف، حرف سخنگویان لاف زن نهاد های اسیر کننده طبقه کارگر جهانی نباشد. روزی که طبقه کارگر قوانین خویش را برپا دارد و قدرت اش را دارد که این قوانین را به اجرا در بیاورد. قوانینی که تماما خلاف موافقت استثمارگران و حکمرانان بر سر نوشت طبقه کارگر است. روزی که نیروی عظیم کارگران متحد در برابر قدرتی که امروز بر سر نوشت همه انسانها حکم میراند، صف آرائی میکند.. «در آن زمان حق با رفقای ما بود و آنها بدرستی دریافته بودند که در مصاف کار و سرمایه، نیروی کار تنها به قدرت متحد و انقلابی خود متکی است و در این مبارزه تاریخی و جهانی دو دنیا در مقابل هم قرار گرفته اند، دنیای سرمایه و دنیای کار؛ دنیای سرمایه داری و دنیای سوسیالیسم!

چرا از طبقه کارگر جهانی و قوانین اش صحبت میشود که تماما خلاف موافقت استثمارگران و حکمرانان بر سر نوشت طبقه کارگر است؟ چون راستا و چشم انداز مبارزه اردوی کار بر علیه سرمایه در سراسر جهان یکی است. محو ستم و استثمار و تمام تبعات ویرانگر ناشی از آن؛ ایجاد نظامی که در آن استثمار فرد از فرد، کارمزدی و فقر و بیکاری و جنگ و کشتار رخت بر بسته باشد.

تراکت شماره 2 بمناسبت اول ماه مه (11 اردیبهشت)

کارگران مبارز؛ متحد و متشکل شوید!
اعتصابات را به اعتصابات تظاهراتی
تبدیل کرده و به خیابانها و میدانی شهرها
بکشانید! تا خشم جوانان، زنان، بیکاران و
ناراضیانی درسربازخانه ها و روستاها، همه
و همه مرکز جاذبه خود را دراعتصابات
کارگران بیابند!

باید کاری کرد تا کلیه مردم زحمتکش شهر
وروستا چشم انداز تحقق مطالبات خود را
درتداوم و پیروزی مبارزات کارگران جستجو
کرده و گرد رهبران عملی جنبش کارگری
حلقه بزنند!

تنها طبقه کارگر است که قادر است مبارزه
علیه مافیای قدرت و ثروت و دولت
سرکوبگر اسلامی و مصائب ناشی از آنرا
آغاز و به سرانجام مطلوبش برساند!
کارگران متحد و متشکل شوید!
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
26 فروردین 1396

تراکت شماره 3 بمناسبت اول ماه مه (11 اردیبهشت)

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر
کارگران اتحاد، اتحاد، علیه سرمایه دار
علیه امپریالیسم!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه
و اختناق نابود باید گردد!
ترور شکنجه زندان به نفع غارتگران
آزادی سیاسی شورای انقلابی به نفع
زحمتکشان!
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
28 فروردین 1396

نیروی پرتوان طبقه کارگر و توده های
زحمتکش مردم میسر نیست. مهمترین سلاح
طبقه کارگر دراین مبارزه وحدت و تشکیلات
است.

روز اول ماه مه، شعارهای مطالباتی
اقتصادی و سیاسی تمام بخش های کارگری
راطرح و خواستار وحدت و تشکل کارگران
برای تحقق آنها شویم! بموازات برخی از
تشکل های کارگری، سازمان اتحادفدائیان
کمونیست بمثابه تشکلی از کارگران
وزحمتکشان کمونیست از روزها قبل طی
بیش از ده تراکت و نوشته مختلف به برخی
از شعارها و مطالبات طبقه کارگر اشاره
نموده و خواستار طرح و مبارزه برای تحقق
آنها شده است.

کارگران مبارز! روز اول ماه مه را به
مبارزه برای وحدت و تشکل، به مبارزه
بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و به
مبارزه برای تحقق شعار کار، مسکن،
آزادی تبدیل کنیم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر
جهان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
دهم اردیبهشت ماه 1396

و دولت سرکوبگر آنها ابعادی گسترده
یافت. متعاقب کارگران، دانشجویان، جوانان
، زنان، معلمان و خلقهای تحت ستم نیز به
اشکال مختلف خواستار تحقق خواست ها و
مطالبات خود شدند. روشن است که باتشدید
شکاف طبقاتی و تداوم ستمگری و سرکوبگری
طبقه حاکم، مبارزات کارگران و زحمتکشان
هرچه گسترده تر خواهد شد. هم اینک
طلیعه تشدید مبارزه طبقاتی و اعتلای جنبش
کارگری در حال دمیدن است.

در این میان حضور نظامی امپریالیسم آمریکا
، روسیه و دولتهای ضد انقلابی و مرتجع
منطقه بمنظور تحقق اهداف تجاوزکارانه
و سلطه طلبانه خویش در منطقه و تشدید
تهدیدات اقتصادی و حملات نظامی، و
شرکت عملی جمهوری اسلامی در جنگهای
منطقه از یکسو به نظام ارتجاعی حاکم این
فرصت را داده است تا سرکوب حرکتیهای
اعتراضی و جنبشهای اجتماعی داخل را با
دلایل عوامفریبانه ای نظیر، ضرورت حفظ
«منافع ملی» و «امنیت ملی» «مقابله با خطر
حمله خارجی و غیره توجیه کند. از سوی
دیگری به سرکار آمدن ترامپ در آمریکا
اپوزیسیون های بورژوائی، ناسیونالیستی و
مذهبی و ارتجاعی نیز خود را آماده بازی
خطرناک در بساط امپریالیستها و دول
ارتجاعی منطقه میکنند. در چنین شرایطی
اول ماه مه فرصتی است تا طبقه کارگر
ضمن طرح خواست ها و مطالبات اقتصادی
و صنفی خود، درخواست های سیاسی را
نیز در دستور قراردادده و همزمان بارانه
آلترناتیو خود به افشای دشمنان طبقاتی خویش
در همه ابعاد آن، همت گمارد.

این واقعیت از روز روشن تراسست که
مبارزه برای رسیدن به آزادی، پایان دادن
به ستم و استثمار و جنگ و کشتار جزی به

اعلامیه اول ماه مه ۲۰۱۷ شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی، روز فشردن صفوف و برافراشتن پرچم برای پیکارهای پیش روی اردوی میلیاردی کارگران جهان است.

جهان سرمایه داری از سال ۲۰۰۸ به این سو، دستخوش یکی از حادثترین بحران های دوره موجودیت خود می باشد. نظامی که زمانی نوید آزادی و صلح و دوستی را می داد امروز در منجلابی ناشی از ستم و استثمار بشریت غوطه ور گشته است. دیگر عالیترین شکل های تمرکز سرمایه انحصاری و جهانی سازی فراگیری که چهار گوشه جهان را به عرصه بهره کشی بیرحمانه خود مبدل ساخته نمی تواند از سرایشبحران قهقرا و انحطاط نظام مسلط بر جهان جلوگیری کند.

رقابت مهارگسیخته برای انباشت بیشتر، تصاحب مواد خام و بازارهای جدید برای سود بیشتر، مبارزه برای کسب سرکردگی نظام جهانی سرمایه داری که از جمله مظاهر آن جنگ های دائمی، ویرانگر و بی پایان است، تخریب شتابان محیط زیست و طبیعت که حاصل منطق کسب حداکثر سود بدون توجه به نیازهای زندگی بشری و ترجمان فاجعه ای است که دست نامرعی بازار در همه جوامع امروزی بدون استثناء رقم زده است نه فقط بشریت بلکه بقای طبیعت و جهان امروز را در برابر گزینه نابودی یا سوسیالیسم قرار داده است.

در بطن همین بحران است که راست افراطی جدید مانند ترامپ، مارینه لوپن، خرت ویلدرز و ... سربرآورده اند تا با مشت به ظاهر آهنین و شبه فاشیستی و با بهره جوئی از همه تفاله های نفرت انگیز نژاد پرستی،

قلدری و جنگ ، راهی برای برون رفت سرمایه داری از بحران ساختاری کنونی بیابند. اما بشریت یکبار تجربه ی فاشیسم را از سر گذرانده و شاهد جنایات خونین آن که جان میلیون ها انسان را به تباهی کشاند، بوده است.

گزینه ای که رهائی بشریت و جهان امروزی را از بحران ویرانگر سرمایه داری ممکن میسازد سوسیالیسم و کنشگر آن طبقه ی کارگر جهانی این گورکن سرمایه داری است که بانیروی کارش جهان کنونی را ساخته و می سازد؛ با مبارزه ی بی وقفه طبقاتی گام های پیشرفت تاریخی را هموار میسازد؛ و پرچم ادامه ی تغییر جهان را همچنان بر دوش می کشد و روز اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر، روز جشن این نیروی تاریخ ساز برای پایان دادن به ستم ها و استثمار انسان از انسان ، برای رهایی زنان از نابرابری قرن ها، برای جهانی است که در آن هیچ بودگان هر چیزگردند.

کارگران ایران، امسال در شرایطی روز جهانی کارگر را گرامی می دارند که ایران ما یکی از بخش های جهان پر تلاطم سرمایه است که بن بست ها و ناکارآمدی های نظام سرمایه داری تحت حاکمیت بختک رژیم جمهوری اسلامی در آن به مرحله ای طاقت فرسا رسیده و همه تضادهائی که جهان سرمایه را در چنگال خود میفشارد در ایران با حدت و شدت بیشتری اکثریت عظیم مردم ایران را به قهقرا سوق میدهد. در کشور ما برای طبقه کارگر اعم از زن و مرد، اعم از فارس، ترک، کرد، بلوچ عرب و...، اعم از شیعه، سنی، بهائی، یهودی یا مسیحی، اعم از

کارگر ایرانی و یا مهاجر افغانی، اعم از کارگر کارخانه، زنان و کودکان ، کارگر کارگاه های خانگی، معلم، پرستار، کولبر، دستفروش، سرباز، کارمندان چند شغله، بازنشسته از هر نوع و... در بر پاشنه واحدی میچرخد: بی حقوقی، فقر و محرومیت در حال افزایش. برای میلیون ها تن از کودک خیابانی کار، کودکان رنج و فرزندان فقر که به جای نشستن در کلاس درس، ناگزیر به حاشیه خیابان ها رو آورده و مظلومانه برای لقمه ای نان به هر کار سنگین و پستی تن می دهند ، برای زنان بی سرپرست، برای هزاران خانواده کارگر که نان آورشان را از پی حوادث حین کار از دست داده اند، هیچ حق و حقوق برای برخورداری از بیمه درمان ، بیکاری و بازنشستگی وجود ندارد.

اما مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در سال گذشته صفحه درخشانی از مقاومت و مبارزه جوئی را به ثبت رساند. بخش های گوناگون طبقه کارگر در بیشمار حرکات اعتراضی با طرح خواسته ها و مطالبات بیواسطه خود به مقاومت موثر در برابر تهاجم دولت و سرمایه داران برخاسته و از جمله رژیم جمهوری اسلامی را ناچار ساختند تا با عقب نشینی اصلاحیه کذایی "قانون کار" را پس بگیرد. در آخرین ماه سال ، ما شاهد ابتکار جدید بخشهایی از طبقه کارگر بودیم که بازتاب آن صف بهم پیوسته بازنشستگان کشوری، لشکری و فرهنگی و به خیابان آمدن های پیاپی آنها برای اعتراض بود که "اعتراضات سریالی" نام گرفته و همچنان ادامه دارد. اعتراضات معلمان سراسر کشور و بویژه اعتراض آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی که طی سال گذشته در سطح سراسری بویژه در تهران

اعلامیه اول ماه مه ۲۰۱۷

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

بزرگ - کردستان - خراسان - اصفهان و جنوب کشور نیز از جمله اعتراضات جسارت آمیزی بود که باید به این مجموعه پیکارهای افزوده شود تا تصویری از دست آوردهای مقاومت و مبارزه طبقه کارگر در میان اول ماه مه سال گذشته و امسال ارائه شود.

اما طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در تحت حاکمیت سیاه و خونین رژیم جمهوری اسلامی و مافیای سرمایه داران خون آشنام و زالوصف آن هزینه بس گزافی برای مبارزه جوئی و ایستادگی پرداخته و میپردازند. قتل شاهرخ زمانی این کارگر سازمانگر کمونیست در زندان، علیرغم دادخواهی یگانه دخترش تا به امروز بی جواب مانده و زندان های رژیم مملو از فعالان جنبش کارگری در کنار فعالان جنبش زنان، دانشجویان، کنشگران جنبش ها علیه تبعیض های اجتماعی، ملی و مذهبی و سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

برای سرکوب هر چه گسترده تر جنبش رو به اعتلای کارگری و فعالین کارگری رژیم جمهوری اسلامی با "امنیتی و جنائی" قلمداد کردن مبارزات کارگری در حال صدور انواع و اقسام احکام زندان از طریق دادگاه های فرمایشی خود علیه فعالان جنبش کارگری است تا با مرعوب ساختن و به حداکثر رساندن فشار و هزینه فعالیت با رشد جنبش کارگری مقابله کند.

اما فعالان کارگری با هوشیاری و جسارت و با مایه نهادن سلامت و زندگی خود به مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی میپردازند. اسماعیل عبدی طی نامه ای جسورانه در اعتراض به عدم

استقلال قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی در " صدور احکام امنیتی" برای فعالان تشکل های صنفی معلمان و کارگران و با درخواست صریح " خروج روند پیگیری پرونده از حالت امنیتی به عادی" اعلام کرده است که از تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۹۶ اعتصاب غذای خود را آغاز خواهد کرد. دستگاه های امنیتی رژیم نیز بی وقفه در حال پیگرد برای اعمال فشار بر فعالین هستند. در آستانه اول ماه مه امسال، سال ۱۳۹۶ فعالان شناخته شده کارگری نظیر علی نجاتی از سندیکای نیشکر هفت تپه و همراهانش و شیت امانی چهره شناخته شده کارگری در کردستان به اداره اطلاعات سندج احضار و تهدید به سکوت شدند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، وفادار به آرمان انقلابی طبقه ی کارگر، این نیروی لایزال میلیونی، همراه با کلیه ستمدیگان و توده های عظیم مردم زحمتکش برای ایجاد صف مستقل سیاسی و برپایی تشکل های مستقل کارگری، تشکل های مستقل معلمان، دانشجویان و پرستاران مبارزه می کند.

پرولتاریای ایران به چنان نیروئی تبدیل شده که امروز میتواند بعنوان یک بدیل مستقل و با تدبیر با اتکاء به ارتش بی شمار کارگران و زحمتکشان وارد صحنه مبارزه طبقاتی شود و جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم را به گورستان تاریخ بسپارد. جنبش چپ و کمونیستی ایران با تمام نیرو یار و یاور طبقه کارگر و زحمتکشان ایران برای خودرهایی است و همانگونه که در صف مقدم اردوی مبارزه آشتی ناپذیر و بی تزلزل برای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مبارز می کند افساء و انزوای همه محافل، باندها و دسته جات ارتجاع داخلی

وابسته به قدرت های خارجی و امپریالیستی را یکی از وظائف همیشگی و تعطیل ناپذیر خود می داند. طبقه کارگر ایران تنها به اتکاء به نیروی خود رهایی از قید و بندهای استبداد و سرمایه را رقم خواهد زد.

پیش بسوی ایجاد صف مستقل پرولتاریائی در روز اول ماه مه

پرچم سرخ را به نشانی همبستگی یکپارچه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی برافراشته نگهداریم

برافراشته باد پرچم سرخ سوسیالیسم بدیل طبقه کارگر برای انقلاب
ادامه در صفحه بعد...

تراکت شماره 4 بمناسبت اول ماه مه (11 اردیبهشت)

رژیم جمهوری اسلامی امسال

نیز از تعطیلی کامل و سراسری

اول ماه مه و صدور مجوز

راهپیمائی مستقل برای کارگران

خودداری کرده است.

ماز کارگران دعوت میکنیم

روز اول ماه مه دست از کار

بکشند و این روز بزرگ را به

روز اتحاد و همبستگی و تشدید

مبارزه علیه سرمایه داری و

رژیم پاسدار آن تبدیل کنند.

«کارگران جهان متحد شوید»

زنجیرهای بردگی را بگشائید

شما با ارتش های بزرگ خود

میتوانید

«بر هر خودکامگی فائق آئید.»

بر تولد برشت

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

5- اردیبهشت 1396

یا شاسین بیرمای بایرامی ، یا شاسین ایشچی له رین کاپیتالیسیم علیهینه ال بیر اولماسی

آذربایجانین بیرلشمیش کمونیست فدائیلری بیرمای بایرامین بتون ایشچیلره ره تبریک ئدیر واونلاری بیرلیکده مبارزیه دوام ویرمگه چاغیر.

عزیز ایشچیلر! بیرمای دونیا ایشچیلرینین بویوک بایرامی یاخینلاشیر. بیرمای گونی ایشچیلره ر ایشده ن ال چکیپ کاپیتالیسیم و سرمایه ساحابلارینین قاباقیندا واحد وال بیر صف لرینی نمایشه قورالار. بو ئیل حساس بیر وضعیته گوره بیرمای بایرامی بتون آذربایجان ایشچیلرینه فرصت دیر کی ئوز ایستکلرینه اوجا سس ایله جامعه نین و دنیا ایشچیلرینین قولاقینا یتیر سین و ئوز ال بیر و متحد قدرتی نی دولت و سرمایه صاحبیلارینا گوسترسین.

آیدیندیر کی بوگون اقتصادی بحرانین ادامه سینده ، ایشسیزلیک ، باهالیق و دولتین ایشچیلره قارشی سیاسی اقداماتنین نتیجه سینده اوضاع گون به گون ایشچی صنفی و زحمت کش اینسانلارا چتین لشر . رژیم ایشچیلرین فشار آلتیندا تنگه گلیب واونلارین ناگزیر ایباغالخیب و شورش ایتمکلرین قوروخور و اونا گوره ترپنن کارگری توتوپ دوستاقا باسماقینان ایستیر ایشچیلرین تشکیلاتا صاحب اولماقلارینین قاباقین آسین واونلاری داغیشیق حالت ده حرکت دن و اعتراضدان و توپلانیشدان قویسون . اونا گوره بیرمای ایشچی حرکتلرینه آیینش و ترپنیک ویرمه گه بویوک فرصت دی . بو فرصتی الدن ویرمین و هر شکل ده کی ئوزوز سچیسینیز ، بیرمای بایرامینی سازمان ورین . اصلی شعار یعنی ایش - او - و آزادلیق ایستینی قاباغا قوروب و ئوز ایقتصادی و صنفی مطالبه لريله قارشیق ایشیگیه چخب و بیرلیکده سرمایه دار طبقه سی و ئونون مذهبی دولتین قاباقیندا قدرتی زی نمایشه گورون.

بیز تمام آذربایجان ایشچیلرین و زحمتکش اینسانلاری بیرمای بایرامینین مراسیمین توتماقا دعوت ئدیریک و ایستیریک کی هر بیرده وارسیز ایشن ال چکیب و بیر بیرده توپلانیب و دنیا ایشچیلرله برابر بو بویوک ایشچی گون مراسیمینده اشتراک ئدین.

آذربایجاندا ایش محلینده ، مدرسه ده ، محله لرده ، دانشگاه لاردا متشکل اولماق لازیمدیر ، تشکیلاتسیز هیچ بیر اساسلی ایش گورمک اولایلیمز.

یئنی بیر دونیا اوچون بیرلشین

یا شاسین دنیا ایشچی صنیف بیرلیگی

یا شاسین بیرمای

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان کمیته سی

۸ اردیبهشت ۱۳۹۶

پرچم سرخ روز همبستگی کارگران سراسر جهان همچنان برافروخته باد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

پنجشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر

با ۲۷ آوریل ۲۰۱۷

www.shoora-namayandegan.org

امضا کنندگان:

- ۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
- ۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
- ۳- حزب کمونیست ایران
- ۴- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
- ۵- سازمان راه کارگر
- ۶- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- ۷- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکھلم
- ۸- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه- هامبورگ
- ۹- کانون اندیشه کپنهاگ - دانمارک
- ۱۰- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
- ۱۱- کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک
- ۱۲- کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران- فنلاند
- ۱۳- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
- ۱۴- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان
- ۱۵- هسته اقلیت



فراخوان

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به برگزاری تجمعات و تظاهرات بمناسبت اول ماه مه (12 اردیبهشت 96) کارگران مبارز و پیشرو، فعالین جنبش کارگری و رفقای فدائی، بمناسبت روز اول ماه مه، با طرح شعار محوری و سراسری

کار- مسکن- آزادی،

در تجمعات و تظاهرات کارگران شرکت کنید. کارگران را به اعتصابات و تظاهرات انقلابی برای تحقق خواست های اقتصادی و سیاسی شان فرا بخوانید.

علاوه بر شعار محوری، شعارهای دیگری هم هستند که خواست های عمومی طبقه کارگر ایران را منعکس میکنند از جمله: افزایش سطح پایه دستمزد ها. داشتن مسکن مناسب و تعدیل اجاره بها متناسب با درآمد متوسط خانواده و پرداخت مابه التفاوت آن توسط دولت آزادی بی قید و شرط کارگران دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی تشکل، حزب، اعتصاب، تجمع و تظاهرات حق مسلم کارگران است بیمه بیکاری باشمولیت همه کارگران از جمله کارگران مهاجر از هر ملیتی برخوردار می باشد همه از بیمه های اجتماعی بوسیله نمایندگان کارگران متوقف کردن اخراجها و بازگشت همه اخراجی ها بر سر کار لغو هرگونه قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران قراردادی و ممنوعیت کارکردن و کدگان پرداخت حقوق های معوقه با احتساب مقدار

ضرر و زیان ناشی از دیرکرد آن برقراری ازادیهای سیاسی و لغو سانسور و سرکوب، لغو تبعیض علیه زنان و ملیت های مختلف، از جمله شعارهای سراسری محسوب میشوند در کنار شعارهای عمومی بطور طبیعی کارگران هر کارخانه خواستهای صنفی و اقتصادی و سیاسی مختص بخود را نیز در این روز طرح میکنند که باید مورد پشتیبانی قرار گیرند.

ما بمثابة بخشی از کارگران و فعالین کمونیست متشکل در سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، ضمن شادباش روز جهانی کارگر، همه کارگران پیشرو و فعالین سازمان را به سازماندهی و شرکت در تظاهرات اول ماه مه و طرح شعار محوری **کار- مسکن- آزادی** و سایر مطالبات پایه ای کارگران فراموشی خوانیم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر ناپود باد نظام سرمایه داری زنده باد سوسیالیسم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 30 فروردین ماه 1396

در روزهای منتهی به اول ماه مه ی از سوی سازمان چندین تراکت به مناسبت اول ماه مه ی روز جهانی کارگر انتشار داده شد که توسط اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور منتشر و پخش شد جهت مطالعه و دیدن تراکت ها و آخرین اخبار، گزارشات، مقالات، اطلاعیه ها، نشریات و برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به سایت سازمان مراجعه کنید.

www.fedayi.org

شعری از رفیق مرضیه احمدی اسکونی
دالغا

خیرداجا اینجه آر خریدیم
منشله ردن، داغلاردان
در ملردن آخیردیم؛
بیلیردیم دورقون سولار
اؤز ایچینده بوغولار،
بیلیردیم دریا لاردا
دالغالار قوجاغیندا
خیرداجا آرخلار اوچون
ینئی حیات دوغولار؛
نه یولون اوز اقلیغی
نه قار ائلیق چوخورلار
نه دورقونلوق هوسی
منی یولدان قویمادی؛
ایندی قاریشمیشام من
قورتولماز دالغالارا؛
وارلیغیمیز چالیشماق
یوخلوغوموز دایانماق.
پائیز ۱۳۵۲

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر می شود .

مسئول اجرائی : سالار حسامی
شماره پیغامگیر ، واتس آپ و وایبر
سازمان

+46738924823

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای ان با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج